

من همان چوپان دشت شادیم
من جوان گله های بادیم
با زبان گل تکلم می کنم
تا که با بلبل تکلم می کنم
چشم سار دشت ها من آشنا ست
کوه و دشت و گله بامن هم صداست
شیره ی جان من از جان گل است
جان من پیوسته مهمان گل است (۲)
شب نشین خانه ی گل ها منم
عاشق و دیوانه ی گل ها منم
گل مرا تا عرش بالا می برد
گل مرا تا روشنی ها میبرد
گل همان همپایه دیرین من است
قصه های تلخ و شیرین من است
آشنایم با زبان سادگی
عاشقم من عاشق افتادگی